

مقایسه ذهنیت‌های طر حواره‌ای در افراد با ازدواج رسمی با افراد درگیر همبازی

بدون ازدواج رسمی

محمد عبد فخر آباد^۱، آزاده محولاتی^۱

۱. گروه روانشناسی و مشاوره، دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام، مشهد، ایران

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۹/۰۶

چکیده

زمینه و هدف: امروزه شاهد تغییرات روزافزونی در ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان در شرف ازدواج و ظهور بیشتر پدیده همبازی بدون ازدواج رسمی هستیم. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه ذهنیت‌های طر حواره‌ای در افراد با ازدواج رسمی با افراد درگیر با همبازی بدون ازدواج رسمی می‌باشد.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی-تحلیلی در سال ۱۴۰۳ بر روی ۱۲۸ نفر از کلیه افراد ۱۸ تا ۴۵ سال در دو گروه افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی در شهرستان مشهد انجام شد. روش نمونه‌گیری، به شیوه در دسترس برای زوج‌هایی که به صورت رسمی ازدواج کرده بودند و هدفمند برای افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی بود. ابزار گردآوری داده‌ها، شامل پرسشنامه‌های جمعیت‌شناختی و ذهنیت‌های طر حواره‌ای (یانگ، ۲۰۱۴) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های ناپارامتریک در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام شد.

نتایج: ۶۵/۶ درصد از شرکت‌کنندگان در گروه افراد با ازدواج رسمی و ۳۴/۴ درصد در گروه افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی بودند. همچنین، ۸۲/۸ درصد از مشارکت‌کنندگان زن و ۱۷/۲ درصد مرد بودند. در تحلیل داده‌ها، میانگین رتبه ذهنیت طر حواره‌ای بزرگسال سالم در گروه ازدواج رسمی (میان = ۷۸) به طور معنی‌داری بیشتر از گروه همبازی بدون ازدواج رسمی (میان = ۵۴) بود ($U = 1258$, $p = 0.001$)؛ اما در متغیرهای ذهنیت طر حواره‌ای کودکان، مقابله‌ای ناکارآمد و والد ناکارآمد تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد ($p > 0.05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه یافته‌ها نشان می‌دهد که ذهنیت طر حواره‌ای بزرگسال سالم در افراد با ازدواج رسمی بالاتر بوده و می‌تواند نقش مهمی در تفاوت‌های روان‌شناختی میان دو گروه ایفا کند؛ پیشنهاد می‌گردد که تقویت این طر حواره در مداخلات مسئولین مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها:

ذهنیت‌های طر حواره‌ای
والد ناکارآمد، ذهنیت‌های
طر حواره‌ای کودکان،
ذهنیت‌های طر حواره‌ای
مقابله‌ای ناکارآمد،
ذهنیت‌های طر حواره‌ای
سالم، همبازی بدون
ازدواج رسمی

تمامی حقوق نشر برای
دانشگاه علوم پزشکی
تربت حیدریه محفوظ
است.

مقدمه

یکی از مهمترین اتفاقات در زندگی همه افراد، خصوصاً در دوران جوانی است (۱). ازدواج تسهیل گر ارضای اغلب نیازهای افراد هم در سطح فردی و هم سطح اجتماعی است. در سطح فردی، موجب ارضای نیازهای فیزیکی، جنسی، عاطفی و اجتماعی فرد و در سطح اجتماعی، موجب ایجاد مهمترین رکن هر کشور یعنی ایجاد خانواده می گردد (۲). اگرچه، متداول ترین نوع ازدواج در اغلب کشورهای ایران و جهان در میان افراد با فرهنگ های مختلف و از هر دین و مذهبی، سبک ازدواج از نوع رسمی می باشد؛ اما در سال های اخیر شاهد رشد رو به بالای نوع دیگری از سبک ازدواج، به نام همبازی بدون ازدواج رسمی در کشورهای مختلف از جمله ایران هستیم (۳، ۴). همبازی بدون ازدواج رسمی^۱، به معنی اقدام به تشکیل زندگی توسط زن و مرد است، بدون اینکه پیوند رسمی بین آنها شکل گرفته باشد؛ که در جامعه کنونی افراد بیشتر آن را با نام ازدواج سفید^۲ می شناسند. ازدواج سفید، نوعی ازدواج در بین پیروان مسیح است که در آن عروس لباس سفید می پوشد و زن و مرد سعی می کنند با پوشیدن این لباس و برگزاری جشن به رابطه خویش وجهه قانونی و شرعی دهند (۵)، در حالی که در اکثر کشورها و مذاهب مختلف، این نوع ازدواج، به هیچ وجه قانونی قلمداد نمی گردد (۳). حتی، در فرهنگ لغت آکسفورد نیز، برای تعریف این سبک از زندگی مشترک بین زن و مرد، به جای به کار بردن کلمه ازدواج سفید از واژه همبازی بدون ازدواج رسمی استفاده شده است. به عبارتی، حتی در فرهنگ غرب هم این رابطه را تحت عنوان ازدواج به رسمیت نمی شناسند. همبازی بدون ازدواج رسمی بر خلاف سبک ازدواج رسمی، عاملی برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی است، اما در آن تعهدی نسبت به طرف مقابل وجود ندارد (۶). طبیعتاً این امر، موجب بروز مشکلات در سطح بین فردی، فردی و حتی در سطح اجتماعی می گردد، و حتی تشکیل خانواده، ایجاد عشق و صمیمیت واقعی را بین زن و مرد به تعویق می اندازد. اگرچه

ازدواج یک امر خصوصی است که توسط افراد صورت می گیرد و دیگران در آن دخالتی ندارد، اما شناخت افکار و نگرش های افراد، پیرامون ازدواج و تحلیل و بررسی آنها از اهمیت بالایی برخوردار است (۵، ۳). بررسی پیشینه نظری و پژوهشی نشان می دهد، مسائل شناختی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر انتخاب سبک ازدواج هستند. حالات یا ذهنیت های طرحواره ای^۳ می توانند از مهمترین مسائل شناختی این حوزه باشد (۷). ذهنیت های طرحواره ای را همچون باورهای بنیادین تعریف می کنند که تشکیل دهنده دیدگاه فرد در مورد خود و جهان اطراف است. طرحواره ها، قدیمی ترین مولفه های شناختی محسوب می شوند و حتی گاهی اوقات پیش از آن که کودک زبان بیاموزد، این طرحواره ها در ناخودآگاه او شکل می گیرد. این طرحواره ها در طول زمان به حرکت خود ادامه می دهند و خود را به تجارب بعدی در زندگی فرد تحمیل می کنند. ذهنیت های طرحواره ای می توانند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار باشند و بر انتخاب های افراد تاثیر بگذارند (۸، ۷).

ذهنیت های طرحواره ای به چهار دسته اصلی تقسیم می شوند: ذهنیت های طرحواره ای کودکانه (کودک آسیب پذیر، کودک خشمگین، کودک تکانشگر و کودک عصبانی)، ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد (مطیع و تسلیم شده، محافظ بی تفاوت، جبران کننده افراطی و زورگوی تهاجمی)، ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد (والد تنبیه گر و والد پر توقع) و ذهنیت های طرحواره ای سالم (کودک شاد و بزرگسال سالم). هر کدام از ذهنیت ها (به جز ذهنیت های بزرگسال سالم و ذهنیت کودک شاد)، سبک های مقابله ای خاصی دارند (۹). ذهنیت طرحواره ای کودکانه، ذهنیت بسیار ذاتی و همگانی است و دارای این قابلیت است که در تمام کودکان با نیروی بالقوه و قوی برای نشان دادن این ذهنیت ها متولد می شوند و گستردگی هیجانی ذاتی را به نمایش می گذارند (۱۰). ذهنیت های مقابله ای ناکارآمد، تقریباً مطابق با سبک های مقابله ای

¹ Cohabitation without formal/legal marriage² White marriage³ Schema modes

رسمی را انتخاب کرده اند، تیپ دوم به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی (سن ازدواج بالا، اعتیاد پدر، ترس از حرف مردم، عدم حمایت خانواده) و تیپ سوم به دلیل شرایط روانی (خیانت به یکدیگر، عدم تعهد در زندگی، اختلالات روحی و روانی، اختلالات جنسی، مشکلات خانوادگی) همبازی بدون ازدواج رسمی را انتخاب کرده اند. Zhang (۱۶) با هدف بررسی رابطه مثبت میان تجربه ازدواج سفید و طلاق پس از ازدواج در میان افرادی که در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ ازدواج کرده اند، بود و به این نتیجه رسید که رابطه مثبت بین این متغیر ها در گذر زمان از بین می رود، به طوری که رابطه معناداری بین تجربه ازدواج سفید و نرخ طلاق بین افرادی که در سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ ازدواج کرده اند، بوجود نیامده است. همچنین در پژوهشی با هدف یافتن یک ارتباط تجربی بین افزایش قابل توجه استفاده از قرارداد های مدت معین ازدواج همچون همبازی بدون ازدواج رسمی و خطا های شناختی در اسپانیا و تاخیر مشاهده شده در سن ازدواج و فرزندآوری است (۱۷). آن ها معتقدند سن ازدواج در اروپای غربی و کشورهای مدیترانه ای مانند اسپانیا و ایتالیا بالا رفته است و به عواملی مانند تغییرات شرایط زندگی، ناتمام ماندن تحصیلات، تولد فرزندان، خطا های شناختی و ... مربوط می شود و همگی موجب تمایل به کاهش فرزندآوری می شود و در نتیجه باعث به تعویق انداختن ازدواج و تشکیل خانواده می شود. Keulen-de Vos و همکاران (۱۸) تفاوت ذهنیت های طرحواره ای در افراد مبتلا به اختلال شخصیت با افراد عادی را گزارش دادند. با توجه به آنچه که گفته شد، از طرفی در دهه های اخیر، یک پدیده اجتماعی تحت عنوان همبازی بدون ازدواج رسمی در تمام جوامع جهان و حتی کشور ایران افزایش یافته است؛ که می تواند به کانون گرم خانواده و حتی سلامت روان خود افراد آسیب های بسیار جدی وارد کند (۱۹)، به علاوه با توجه به اثبات اثر مهم حوزه مسائل شناختی بر انتخاب های افراد و سبک ازدواج در زندگی افراد و اثر آن بر کیفیت زندگی فرد و جامعه و کمبود پژوهش ها در این زمینه، باعث شد در این پژوهش به دنبال مقایسه ذهنیت های طرحواره ای کودکان؛

تسلیم، اجتناب و جبران افراطی است. انواع سبک های مقابله ای ناسازگار نشان دهنده تلاش کودک برای کنار آمدن با نیاز های هیجانی برآورده نشده در محیط های آسیب زا می باشد. این سبک های مقابله ای به نوعی در دوران انطباقی فعال هستند، اما ناسازگاری ها اکثراً در دوران بزرگسالی اتفاق می افتد (۱۱،۱۰). ذهنیت والد ناکارآمد به عنوان نمادی اصلی در والدین درون سازی شده است. زمانی که ذهنیت های والد ناکارآمد در کودک فعال می شود احساس، رفتار و افکارشان نیز مانند والدین شان می شود به طوری که فرد در نقش والدین خود فرو می رود و همان طوری که والدین شان سال ها قبل با آنها رفتار می کردند، با دیگران رفتار می کنند (۱۲،۱۳). در مقابل، ذهنیت های طرحواره ای سالم در تضاد با ذهنیت های طرحواره ای ناکارآمد قرار می گیرند. در این نوع ذهنیت ها، نیاز فرد به طور کامل ارضا و پاسخ داده شده و فرد به صورت منطقی از احساسات خود آگاه است (۱۴). با توجه به آنچه که گفته شد، ذهنیت های طرحواره ای از عوامل شناختی مهمی هستند که از کودکی در افراد شکل می گیرد و در ادامه زندگی در بر دیدگاه افراد نسبت به خود، جهان اطراف و دیگران اثر می گذارند (۱۵،۱۴)، در نتیجه می توانند در انتخاب سبک ازدواج نیز موثر باشند.

کرمی (۱۰) پژوهشی با هدف مقایسه ذهنیت های طرحواره ای و تمایز یافتگی در جوانان راغب و غیر راغب به ازدواج انجام داد. نتایج نشان داد بین همه مولفه های ذهنیت های طرحواره ای جوانان و مولفه های تمایز یافتگی، مولفه واکنش پذیری عاطفی و آمیختگی با دیگران در جوانان راغب به ازدواج و غیر راغب به ازدواج تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین، رسولی (۴) پژوهشی با هدف بررسی نگرش جوانان درباره همبازی (ازدواج سفید) انجام داد. در پایان به این نتیجه رسیدند که براساس نظر مصاحبه شوندگان به سه تیپ از افرادی که همبازی بدون ازدواج رسمی کرده اند، عبارتند از: تیپ اول به دلیل شرایط اقتصادی (فقر، سرپرست خانوار بودن، حرف مردم، گرایش جنسی، نداشتن سرمایه) همبازی بدون ازدواج

ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد و ذهنیت های طرحواره ای بزرگسال سالم در بین افراد متاهل با ازدواج رسمی و افراد مجرد درگیر با همبازی بدون ازدواج رسمی باشیم.

روش ها

روش پژوهش حاضر توصیفی و پیمایشی نظر سنجی از نوع استنباطی علی-مقایسه ای (Causal-Comparative Research Method) می باشد که به مقایسه انواع ذهنیت های طرحواره ای شامل ذهنیت های طرحواره ای کودکان؛ ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت طرحواره ای والد ناکارآمد و ذهنیت طرحواره ای سالم در افراد متاهل با ازدواج رسمی و در افراد مجرد درگیر با همبازی بدون ازدواج رسمی در شهرستان مشهد پرداخته شده است. برای تعیین حجم نمونه، با در نظر گرفتن مطالعات پیشین (۱۰،۴) و استفاده از نرم افزار G*Power و در نظر گرفتن خطا نوع اول یا سطح معناداری ۰/۰۵، توان آماری ۰/۸ و اندازه اثر (متوسط) یعنی ۰/۵ برابر ۱۲۸ نفر برآورد گردید. بنابراین، هدف پژوهش مقایسه ۶۴ نفر از افراد دارای ازدواج رسمی با ۶۴ نفر از افراد مجرد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی بود. از روش نمونه گیری داوطلبانه و در دسترس برای زوج های با ازدواج رسمی و گلوله برفی برای افراد مجرد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی استفاده شد. افرادی که همبازی بدون ازدواج رسمی داشتند را از طریق شبکه های مجازی (داخلی و خارجی) و از طریق پرس و جو از موسسات مختلف و به شیوه گلوله برفی از طریق مصاحبه با اولین افراد شناسایی شده، جمع آوری نمودیم و از طریق مصاحبه و توضیح اهمیت این پژوهش برای آنان جهت شرکت در این پژوهش آنان را به پاسخگویی کامل و صادقانه به سوالات ترغیب نمودیم. قابل ذکر است که به جهت همتاسازی دو گروه از نظر محدوده سنی و در نظر گرفتن دوره جوانی (به علت بیشترین احتمال ازدواج در این دوره سنی)، زنان و مردان شرکت کننده از ۱۸ تا ۴۵ سال در نظر گرفته شدند. سپس، لینک پرسشنامه ساخته شده توسط پرس لاین

برای همه افرادی که با آنان مصاحبه شده بود، ارسال می گردید، در مجموع ۱۵۲ نفر در پژوهش شرکت کرده نمودند، که با بررسی پرسشنامه ها (جهت تکمیل بودن) و بررسی محدوده سنی شرکت کنندگان حدود بیست پرسشنامه حذف گردید و در نهایت ۱۳۲ پرسشنامه که ۶۶ عدد آن مربوط به افراد با ازدواج رسمی و ۶۶ عدد آن مربوط به افراد درگیر در ازدواج سفید بود، تجزیه و تحلیل گردید. همچنین، جهت رعایت ملاحظات اخلاقی به شرکت کنندگان توضیح داده شد که نیازی به وارد کردن اطلاعات شخصی مانند ذکر نام و نام خانوادگی، شهر محل سکونت و... نیست و تنها سن، میزان تحصیلات آنها کافیت. همچنین، اهداف تحقیق و مزایای اجرای آن نیز برای شرکت کنندگان توضیح داده شد. به شرکت کنندگان گفته شد که هر زمان که بخواهند امکان انصراف از پژوهش برای آنان امکان پذیر است. پیش از انجام پژوهش، به جهت کار با شرکت کنندگان انسانی، کد اخلاق از دانشگاه بین المللی امام رضا با شماره IR.IMAMREZA.REC.1403.014 اخذ گردید.

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها، از پرسشنامه های جمعیت شناختی برای سنجش طرحواره های ناسازگار اولیه، از پرسشنامه طرحواره یانگ نسخه کوتاه فرم سوم بازنگری شده (Young Schema Questionnaire – Short Form, Third Edition Revised) استفاده شد که به اختصار YSQ-S3R نامیده می شود. این پرسشنامه توسط یانگ و همکاران (۲۰۱۴) تهیه شده و شامل ۹۰ گویه در ۱۴ مقیاس است (۱۴). این مقیاس، ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را می سنجد که از ترکیب آنها چهار ذهنیت طرحواره ای کلی حاصل می گردد. چهار دسته کلی شامل: ۱- ذهنیت های طرحواره ای کودکان (کودک آسیب پذیر، کودک خشمگین، کودک تکانشگر و کودک عصبانی)؛ ۲- ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد (ذهنیت های مطیع و تسلیم شده، محافظ بی تفاوت، جبران کننده افراطی و زورگو و تهاجمی)؛ ۳- ذهنیت طرحواره ای والد ناکارآمد (والد تنبیه گر و والد پرتوقع) و ۴- ذهنیت طرحواره ای سالم (کودک شاد و بزرگسال سالم) می باشد (۲۱). این ابزار، با مقیاس لیکرت

نمونه، ۱۰۶ نفر زن (۸۲٫۸٪) و ۲۲ نفر مرد (۱۷٫۲٪) بودند. در گروه افراد دارای ازدواج رسمی، ۵۲ نفر زن (۸۱٫۲٪) و ۱۲ نفر مرد (۱۸٫۸٪) و در گروه افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی، ۵۴ نفر زن (۸۴٫۴٪) و ۱۰ نفر مرد (۱۵٫۶٪) مشارکت داشتند. از نظر سطح تحصیلات، شرکت کنندگان از سطوح مختلف تحصیلی از زیر دیپلم تا دکتری حضور داشتند. در گروه ازدواج رسمی، ۸ نفر (۱۲٫۵٪) زیر دیپلم، ۲۰ نفر (۳۱٫۲٪) دیپلم، ۲۵ نفر (۳۹٫۱٪) کارشناسی، و ۱۱ نفر (۱۷٫۲٪) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند. در گروه افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی، ۵ نفر (۷٫۸٪) زیر دیپلم، ۲۲ نفر (۳۴٫۴٪) دیپلم، ۲۶ نفر (۴۰٫۶٪) کارشناسی، و ۱۱ نفر (۱۷٫۲٪) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد یا بالاتر بودند. برای بررسی همگنی دو گروه از نظر متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، و تحصیلات)، از آزمون χ^2 دو استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو گروه از نظر جنسیت ($\chi^2 = ۰/۴۸$, $p = ۰/۴۸$)، سطح تحصیلات ($\chi^2 = ۱/۳۲$, $p = ۰/۷۲$) و توزیع سنی ($\chi^2 = ۱/۸۹$, $p = ۰/۵۹$) تفاوت معناداری وجود نداشت؛ بنابراین، دو گروه از نظر این متغیرها همگن بودند.

در ادامه، جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج این آزمون نشان داد که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تبعیت نمی کند ($p < ۰/۰۵$). بنابراین، برای مقایسه متغیرها بین دو گروه (افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی)، از آزمون ناپارامتری من-ویتنی (Mann-Whitney U test) استفاده شد. در جدول ۱ نتایج این آزمون برای هر متغیر و به تفکیک در هر گروه گزارش شده است. نتایج جدول ۱ نشان می دهد که میانگین رتبه ذهنیت طر حواره ای بزرگسال سالم در گروه افراد با ازدواج رسمی (میان = ۷۸) به طور معناداری بیشتر از گروه افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی (میان = ۵۴) است ($U = ۱۲۵۸$, $p = ۰/۰۰۱$) که بیانگر تفاوت قابل توجهی بین این دو گروه در این متغیر می باشد. اما برای سایر ذهنیت های طر حواره ای شامل کودکان، مقابله ای ناکارآمد و والد

شش درجه ای (۱ تا ۶) کار می کند. نمرات بالاتر نشانگر حاکمیت آن ذهنیت بر سیستم پردازش اطلاعات فرد است. مطالعات داخلی و خارجی نشان داده اند که این پرسشنامه از نظر روان سنجی قوی و قابل اعتماد است. در سطح بین المللی، Sfeir و همکاران (۲۲) در مطالعه ای نشان داده اند آلفای کرونباخ و مکدونالد امگا برای زیرمقیاس های این پرسشنامه بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ می باشد و ساختار چند بعدی ابزار در تحلیل CFA را تایید نمودند. همچنین، González-Cifuentes و همکاران (۲۳) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را برای کل مقیاس ۰/۹۷ و زیرمقیاس ها را بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۹ گزارش و ساختار ۱۸ عاملی و سلسله مراتبی آن را با CFA تایید نمودند. در ایران، مهرطلب، داودی و تقوایی (۲۴) نتایج روایی و اگر این پرسشنامه با استفاده از ضریب همبستگی با فرم کوتاه پرسشنامه طر حواره های ناسازگار را ۰/۶۴ گزارش دادند. همچنین، پایایی این پرسشنامه نیز با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و ضریب باز آزمایی ۰/۷۲ در فاصله زمانی یک ماه، مناسب ارزیابی شد. در پژوهش حاضر نیز روایی و پایایی پرسشنامه «طر حواره های ناسازگار اولیه یانگ» مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و برای زیرمقیاس ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۸ به دست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول آن است. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که ساختار چند بعدی ابزار از برازش مناسبی برخوردار است ($CFI = ۰/۹۲$, $TLI = ۰/۹$, $RMSEA = ۰/۰۶$) که بیانگر تأیید روایی سازه پرسشنامه در نمونه مورد بررسی است.

نتایج

در این بخش ابتدا تجزیه و تحلیل داده ها در سطح توصیفی ارائه می گردد. در این مطالعه، مجموعاً ۱۲۸ نفر شرکت کردند که به طور مساوی در دو گروه ۶۴ نفر در گروه افراد دارای ازدواج رسمی (۵۰٪) و ۶۴ نفر در گروه درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی (۵۰٪) قرار گرفتند. دامنه سنی شرکت کنندگان بین ۱۸ تا بیش از ۴۲ سال متغیر بود. از نظر جنسیت، در کل

نمرات در این متغیرها بین دو گروه به جز متغیر بزرگسال سالم است. به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افراد با ازدواج رسمی نسبت به افراد درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی وضعیت بهتری دارد.

ناکارآمد، تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد ($p > 0.05$) که نشان می‌دهد این ذهنیت‌ها در دو گروه ازدواج رسمی و همبازی بدون ازدواج رسمی تفاوت معناداری ندارند. دامنه میان‌چارکی و چارک‌ها نیز نشان‌دهنده توزیع نسبتاً مشابه

جدول ۱. نتایج آزمون من‌ویتنی برای مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای بین دو گروه

متغیر	گروه	Q1	میان	Q3	IQR	آماره U	مقدار P
ذهنیت طرحواره‌ای کودکان	ازدواج رسمی	۵۵	۶۳	۷۰	۱۵	۲۰۰۶/۰۰	۰/۸۷۵
	همبازی بدون ازدواج	۵۴	۶۳	۶۸	۱۴		
ذهنیت طرحواره‌ای مقابله‌ای ناکارآمد	ازدواج رسمی	۵۶	۶۴	۷۲	۱۶	۲۰۲۵/۵۰	۰/۹۱۸
	همبازی بدون ازدواج	۵۵	۶۳	۷۰	۱۵		
ذهنیت طرحواره‌ای والد ناکارآمد	ازدواج رسمی	۵۷	۶۵	۷۴	۱۷	۲۰۳۷/۰۰	۰/۹۳۴
	همبازی بدون ازدواج	۵۸	۶۴	۷۴	۱۶		
ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم	ازدواج رسمی	۶۸	۷۸	۸۸	۲۰	۱۲۵۸/۰۰	۰/۰۰۱
	همبازی بدون ازدواج	۴۵	۵۴	۶۳	۱۸		

بحث

بدون شک تغییر جهان بینی و نوع و شیوه ادراک افراد نسبت به نوع انتخاب همسر پس از ازدواج ممکن نیست، و یا حتی در صورت امکان، موجب از دست رفتن فرصت‌ها و زمان مناسب مداخله می‌گردد، بنابراین، شناسایی عوامل موثر بر انتخاب سبک ازدواج می‌تواند بر تغییر دیدگاه‌های نادرست قبل از ازدواج موثر باشد، به همین دلیل در این پژوهش به مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد با ازدواج رسمی و افراد درگیر در همبازی بدون ازدواج رسمی پرداخته شد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افراد مجرد درگیر با همبازی بدون ازدواج رسمی (ازدواج سفید) و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با پژوهش‌های کرمی (۱۰)، رسولی (۴)، ژانگ (۱۶)، کلن دوو و همکاران (۱۸) و Rica و Iza (۲۰) همسو بود. در تبیین این همسویی می‌توان گفت ذهنیت‌های طرحواره‌ای از عوامل شناختی مهمی هستند که از کودکی در افراد شکل می‌گیرد و در ادامه زندگی در بر دیدگاه افراد نسبت به خود، جهان اطراف و دیگران اثر می‌گذارند. در ذهنیت بزرگسال سالم، نیاز

همان‌طور که گفته شد، ازدواج از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، ولی در سال‌های گذشته، یکی از بزرگ‌ترین معضلات مطرح شده در جامعه کنونی، عدم تمایل جوانان به ازدواج رسمی می‌باشد؛ اما به دلیل نیاز طبیعی بنانهاده شده به زندگی به صورت یک زوج، افراد مجرد به بودن با جنس مخالف در قالب‌های نامتعارف مانند همبازی بدون ازدواج رسمی گرایش پیدا کرده‌اند که به نوبه خود خطرات بسیاری را برای خود آنان (به خطر افتادن سلامت روانی) و حتی جامعه (عدم تمایل به فرزندآوری، سقط جنین، بالا رفتن سن ازدواج و ...) به همراه دارد. شناسایی عوامل موثر بر این گرایش و انتخاب این سبک از زندگی می‌تواند اهمیت به سزایی در حل معضلات اجتماعی و افزایش سلامت روانی افراد داشته باشد (۱۵). همان‌طور که گفته شد، یکی از مهمترین این حوزه‌ها، حوزه شناختی می‌باشد، در همین راستا می‌توان به نظریه ذهنیت‌های طرحواره‌ای یانگ اشاره نمود که می‌گویند، ذهنیت‌های کسب شده ما از دیگران باعث تاثیر برداشت‌های مان از آنها می‌باشد و می‌تواند بر سبک انتخاب همسر نیز موثر می‌باشد.

این ذهنیت به کودک کمک می کند تا نیازهای اساسی و هیجانی اش برآورده شود. متخصصان، باید کارگاه های آموزشی را طراحی کنند تا ذهنیت بزرگسال سالم را تقویت کنند تا دیگر ذهنیت های ناکارآمد افراد کاهش یابد، زیرا ذهنیت بزرگسال سالم، در برگیرندگی وظایفی مانند به دست آوردن صحیح اطلاعات، ارزیابی مراحل، حل مسئله، انتخاب همسر، کار و فرزندپروری است (۲۱). همچنین دیگر مسئولیت هایی برای انتخاب، عمل، ایجاد و حفظ تعهد وجود دارد. در یک روش متعادل مانند دنبال کردن فعالیت هایی از جمله، کامل کردن کار، ایجاد روابط اجتماعی و صمیمی، سرگرمی های خانوادگی، فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مرتبط می باشد. ذهنیت بزرگسال سالم، آگاه است و می تواند بدون درگیر شدن با احساسات ناراحت کننده و دردناک، به طور آگاهانه، منطقی و واقع بینانه، درباره مسائل و مشکلات فکر کند (۱۲). به طور خلاصه می توان گفت، تفاوت افراد سالم با افراد آسیب دیده را می توان در شدت و اثربخشی ذهنیت بزرگسال سالم دانست. فرد در ذهنیت بزرگسال سالم می تواند ذهنیت های ناکارآمد را تعدیل کند. مثلاً زمانی که عصبانی، پرخاشگر و رفتارهای غیر قابل کنترل دارد را مهار کند.

همچنین، یافته ها نشان داد که بین ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد، ذهنیت های طرحواره ای کودکان و ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد در افراد مجرد درگیر با همبازی بدون ازدواج رسمی و افراد با ازدواج رسمی تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته با پژوهش های ژانگ (۱۶)، کُن دوو و همکاران (۱۸) و ریکا و ایزا ناهمسو بود. در تبیین یافته های مربوط در پژوهش های ذکر شده در مورد ذهنیت های طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد و ذهنیت های طرحواره ای کودکان می توان گفت ذهنیت های طرحواره ای ترکیبی از ذهنیت های ناسازگار و سبک های مقابله ای ناسازگار می باشد. طبق نظر یانگ، زیر بنایی ترین سطوح شناختی، طرحواره های هیجانی ناسازگارانه است که موجب سوگیری منفی یا مثبت در تفسیر های ما از رویداد ها می شود و این سوگیری ها

فرد به طور کامل ارضا و پاسخ داده شده و فرد به صورت منطقی از احساسات خود آگاه است. ذهنیت های طرحواره ای سالم هم به دو دسته تقسیم می شوند. ذهنیت طرحواره ای کودک شاد که در این ذهنیت نیازهای کودک به طور کامل پاسخ داده شده و به همین دلیل کودک احساس رضایت درونی، خوشحالی و محبت دارد. در این ذهنیت خبری از ذهنیت های ناسازگار اولیه نیست، چراکه نیازها درست و به موقع پاسخ داده شده اند و ذهنیت طرحواره ای بزرگسال که قسمتی از دوران بزرگسالی محسوب می شود و نقش عملکرد اجرایی را در مقایسه با سایر ذهنیت ها برعهده دارد (۲۱). این ذهنیت به کودک کمک می کند تا نیازهای اساسی و هیجانی اش برآورده شود. برخی از ذهنیت ها نشان دهنده عواطف و شناخت و رفتار فرد در برخی از اوقات است. بعضی از ذهنیت ها ترکیبی از طرحواره ها هستند و برخی دیگر نشان دهنده پاسخ های مقابله ای هستند. معمولاً فردی که از سلامت روانی خوبی برخوردار است، ذهنیت های شفاف و آشکاری دارد اما هویت او دست نخورده و ناشناس باقی می ماند (۳، ۴). ممکن است حالت خلقی یک نفر که سالم است به حالت های غمگین، عصبانی یا بی احساس تغییر کند ولی ذهنیت این افراد یا ذهنیت افرادی که خلق و خوی مرزی دارند، متفاوت است. ذهنیت سالم، کمتر از ذهنیت مرزی حالت تجزیه ای دارد. افراد سالم می توانند همزمان چندین ذهنیت را تجربه کنند، مثلاً می توانند غمگین باشند و در زمانی دیگر خوشحال نیز باشند. بنابراین یک فرد سالم همزمان می تواند احساس خوشایند و نا خوشایندی را تجربه کند. تفاوت در افراد سالم و آسیب دیده، در اثربخشی و شدت ذهنیت بزرگسال سالم است (۱۰). اگر چه همه ما یک ذهنیت بزرگسال سالم داریم، اما این ذهنیت در افرادی که از سلامت روانی برخوردار هستند، فعال تر و قوی تر است. ذهنیت بزرگسال سالم می تواند ذهنیت های ناکارآمد را تعدیل کند و بخش دیگر آنها را بهبود ببخشد. ذهنیت طرحواره ای بزرگسال سالم قسمتی از دوران بزرگسالی محسوب می شود که نقش عملکرد اجرایی را در مقایسه با سایر ذهنیت ها برعهده دارد.

در آسیب شناسی روانی میان فردی به صورت سو تفاهم ها، نگرش های تحریف شده، گمانه زنی های نادرست، هدف و چشم داشتی غیر واقع بینانه را مشخص می کند. معمولا طرحواره های ناسازگار در وجود افرادی که به سمت ازدواج های نامتعارف مانند ازدواج سفید می روند، پیدا می شود. بنابراین با کاوش های دقیق از دوران کودکی ممکن است تروما ها و ترس های دوران کودکی فرد را شناسایی و پیدا کنند. ذهنیت های طرحواره ای ناکارآمد در مقابل ذهنیت های طرحواره ای سالم قرار می گیرند. به اعتقاد یانگ، ریشه تحولی برخی از ذهنیت های طرحواره ای ناسازگار در تجارب ناگوار دوران کودکی و نوجوانی دارد. مثلا بیان می کند جوانانی که ذهنیت طرحواره را دارا است در دوران کودکی مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا طرد شده است (۱۰). اما قطعا همه ذهنیت های طرحواره ای در دوران کودکی شکل نگرفته اند. ممکن است برای فردی تجربه آسیب زا در دوران کودکی شکل نگرفته باشد، ولی قطعا می توان گفت بیشتر ذهنیت های طرحواره ای از تجربه های ناگوار دوران کودکی سرچشمه می گیرد و ممکن است هسته اصلی رفتار فرد در دوران بزرگسالی باشند. معمولا زمانی که بیمار در بزرگسالی طرحواره ناسازگارش فعال می شود، بخش هایی از خاطرات هیجان انگیز از دوران کودکی را در خود تجربه می کند. ذهنیت های طرحواره ای کودکان، می تواند سازگار یا ناسازگار نسبت به حالت های هیجانی همراه با پاسخ های مقابله ای افراد در موقعیت های مختلف باشد. همچنین فرد با تسلط و تمرکز بر ذهنیت های طرحواره ای می تواند بر روی احساسات و رفتارش در یک لحظه خاص فائق آید (۱۱). با این که می توان انواع ذهنیت های طرحواره ای را در افراد مشاهده کرد ولی فقط یکی از طرحواره های ناسازگار به شکل غالب در می آید و دیگر طرحواره ها در ناخودآگاه فرد، به صورت پس زمینه قرار می گیرند. در ذهنیت طرحواره ای کودک شاد به اکثر نیاز های کودک به طور کامل پاسخ داده شده است و او احساس محبت، پیوند، خرسندی و رضایت خاطر می کند. به همین دلیل است که

کودک احساس رضایت درونی و خوشحالی دارد. در این ذهنیت برعکس دیگر ذهنیت ها، خبری از ذهنیت های ناسازگار اولیه نیست، چون به نیاز های کودک به موقع و درست پاسخ داده شده است (۱۲). ذهنیت طرحواره ای مقابله ای ناکارآمد بازنمایی معتبر از تجارب آسیب زای درون کودکی به شمار می آید و مشکل اصلی این است که در گذر زمان الگوهای عمیقاً ریشه دار بخشی از تحریفات شناختی در رفتار های ناکارآمد افراد می باشد. حتی وقتی شواهدی پیدا می شود که این ذهنیت ها را باطل اعلام می کند، باز این هم تفکرات مربوط به تحریفات شناختی هستند که اثبات اعتبار این ذهنیت ها را زیر سوال می برند (۱۱، ۱۰). در تبیین یافته های مربوط به ذهنیت های طرحواره ای والد ناکارآمد می توان گفت، ذهنیت های والد ناکارآمد نماد درونی شده والدین هستند. زمانی که فعال می شوند جوانان در نقش والدین خود رفته و همان طور با خودشان رفتار می کنند که والدینشان سال ها قبل با آن ها رفتار کرده بودند. دو نوع ذهنیت والد وجود دارد: ذهنیت والد تنبیه گر و ذهنیت والد پرتوقع. در ذهنیت والد تنبیه گر، کودک توسط والدینش به دلیل بیان کردن نیازها و یا اشتباهاتش، با عصبانیت شدید و یا تنبیه بدنی مواجه می شود (۲۱). والدین هم همیشه از فرزند خود انتقاد می کند و او را سخت کنترل میکند. طرحواره تنبیه و نقص از جمله شایع ترین طرحواره های مرتبط با این ذهنیت است. ذهنیت والد تنبیه گر معمولا از ارضا نشدن نیاز های اولیه به خصوص نیاز های عاطفی از دوران کودکی و نوجوانی سرچشمه می گیرد. این ذهنیت در جوانان مبتلا به اختلال شخصیت مرزی و افسردگی شدید دیده می شود. افراد دارای این ذهنیت، ممکن است خود را شیطان صفت، کثیف، یا بدسرشت بدانند و خودشان را تنبیه می کنند. بنابراین اگر طرحواره ها هسته خودپنداره افراد را شکل دهند، افراد دارای محتوای ناسازگار با ذهنیت طرحواره ای خود می شوند که در طول زندگی ثابت و پابرجا باقی خواهند ماند (۱۱). در ذهنیت والد پرتوقع، والدین کودک را برای دستیابی به انتظارات و اهداف غیر واقع بینانه شان تحت فشار

پاسخ‌ها را تحت‌تأثیر قرار داده باشد. علاوه بر این، شناسایی افراد درگیر در همبازی و جلب مشارکت آنان بسیار دشوار بود، بنابراین نمونه‌گیری تنها از میان افراد در دسترس و داوطلب انجام شد؛ عاملی که تعمیم‌پذیری نتایج به جامعه‌ی گسترده‌تر را محدود می‌کند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از نمونه‌های بزرگ‌تر و همچنین روش‌های کیفی بهره گرفته شود تا درک عمیق‌تری از سبک‌های شناختی افراد متمایل به این نوع از سبک زندگی به دست آید. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، توصیه می‌شود که مسئولان فرهنگی و آموزشی با برگزاری کارگاه‌هایی برای جوانان، به ویژه در سطح دانشگاه، نسبت به شناسایی و اصلاح ذهنیت‌های طرحواره‌ای ناسازگار و نیز تقویت ذهنیت‌های سالمی چون «بزرگسال سالم» و «کودک شاد» در جوانان در آستانه ازدواج اقدام نمایند تا از پیامدهای فردی و اجتماعی پدیده همبازی بدون ازدواج رسمی پیشگیری شود.

نتیجه‌گیری

انتخاب سبک ازدواج یکی از تصمیمات مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی جوانان در آستانه ازدواج است. نتایج این مطالعه نشان داد که ذهنیت طرحواره‌ای بزرگسال سالم در افرادی که ازدواج رسمی داشته‌اند، به‌طور معناداری بالاتر از افرادی بود که درگیر همبازی بدون ازدواج رسمی بودند. این یافته نشان می‌دهد که سبک‌های شناختی و ذهنیت‌های طرحواره‌ای می‌توانند نقش مهمی در گرایش به سبک‌های مختلف ازدواج ایفا کنند. ذهنیت‌های طرحواره‌ای، بازنمایی‌های درونی از خود، دیگران و روابط بین‌فردی هستند که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی فعال می‌شوند و می‌توانند رفتار، باورها، احساسات و تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی از جمله انتخاب سبک ازدواج را تحت تأثیر قرار دهند. با توجه به این موضوع، آگاهی‌بخشی و آموزش درباره ذهنیت‌های طرحواره‌ای، به‌ویژه ذهنیت بزرگسال سالم، می‌تواند راهکاری مؤثر برای ارتقای سلامت روان و بهبود تصمیم‌گیری در جوانان در آستانه ازدواج باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مسئولان و کنشگران

شدید قرار می‌دهند. کسانی که درگیر چنین ذهنیتی هستند، احساس می‌کنند کمال‌گرایی، کاری خوب و پسندیده است و اقرار به اشتباه کردن و خودبرانگیختگی کاری ناپسند و اشتباه دارند. طرحواره‌های ایثارگری و معیار‌های سرسختانه از شایع‌ترین طرحواره‌هایی است که به این ذهنیت ربط دارند. معمولاً در ذهنیت طرحواره‌ای والد پرتوقع، انتظارات غیرواقع‌بینانه مطرح می‌شوند و فرد را برای رسیدن به آن خود را تحت فشار روحی و روانی می‌گذارد. کسی که در نقش ذهنیت والد پرتوقع ظاهر می‌شود، کمال‌گرایی را بسیار خوب می‌داند و به افراطی‌ترین شکل ممکن آن را به کار می‌گیرد (۲۴، ۱۲). از نظر این افراد اشتباه کردن کار بسیار بد و ناشایستی است. این ویژگی عموماً در افرادی که به خودشیفتگی یا اختلال وسواس جبری مبتلا هستند، بیشتر دیده می‌شود. ذهنیت‌های طرحواره‌ای والد ناکارآمد باعث می‌شود، باورهای شناختی فرد تحریف شوند، در ادامه مهارت‌های مقابله‌ای وی تضعیف و رفتارهای خودتنظیمی‌اش مختل می‌شود و در اثر آن آسیب‌های روانشناختی مانند استرس، اضطراب و... بروز نماید، در این شرایط شخص به دلیل کمال‌گرایی بیش از حد، از پذیرش مسئولیت شانه‌خانه می‌کند، تعاملات و رفتارهای ویژه و خاصی را از خود نشان می‌دهد، به همبازی‌های نامتعارف همچون ازدواج سفید با جنس مخالف روی می‌آورد (۲۴، ۲۳). به علاوه، ناهمسویی در نتایج می‌تواند به دلایلی همچون در نظر گرفتن حجم حداقلی در نمونه‌گیری، نوع نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه، کار با شرکت‌کنندگان انسانی، تفاوت در فرهنگ و... مرتبط باشد.

بنابراین، اگرچه این پژوهش با هدف مقایسه ذهنیت‌های طرحواره‌ای در افراد مجرد درگیر در همبازی بدون ازدواج رسمی و افراد دارای ازدواج رسمی انجام شد، اما با محدودیت‌هایی همراه بود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به حجم نمونه نسبتاً پایین، روش نمونه‌گیری هدفمند برای گروه همبازی بدون ازدواج رسمی و استفاده از ابزار پرسشنامه‌ای اشاره کرد که ممکن است به دلیل خوداظهاری، دقت و صحت

پژوهش، کد اخلاق از دانشگاه بین المللی امام رضا علیه السلام
با شماره IR.IMAMREZA.REC.1403.014 اخذ گردید.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان
گزارش نشده است.

مشارکت نویسندگان:

- (۱) مفهوم پردازی و طراحی مطالعه، یا جمع آوری داده ها، یا
تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها: همه نویسندگان
- (۲) تهیه پیش نویس مقاله یا بازبینی آن جهت تدوین محتوای
اندیشمندانه: همه نویسندگان
- (۳) تأیید نهایی دست نوشته پیش از ارسال به مجله: محولاتی

حوزه خانواده و جوانان با طراحی و اجرای برنامه های
آموزشی و کارگاه های تخصصی، زمینه لازم را برای شناسایی،
اصلاح و تقویت ذهنیت های سالم در جوانان فراهم آورند. این
اقدامات می تواند گامی مؤثر در جهت کاهش آسیب های ناشی از
سبک های ناپایدار روابط و ارتقای کیفیت ازدواج در جامعه
باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می دانند که از تمامی شرکت کنندگان
گرانقدر در این پژوهش که با صبر و حوصله در این مسیر ما
را یاری نمودند، تشکر و قدردانی نمایند. همچنین، پیش از انجام

References

1. Rao S. Marital adjustment and depression among couples. *International Journal of Indian Psychology*. 2017; 4(2): 34-42.
<https://doi.org/10.25215/0402.045>
2. Kazempour, S. Measuring youth attitudes towards marriage and understanding its effects and consequences with emphasis on student marriages. *Farhang Dar Daneshgah-E-Eslami*, 2009; 13(2):75-95.
<https://ensani.ir/file/download/article/20120325160537-1064-70.pdf>
3. Zola MF. Beyond infidelity-related impasse: an integrated, systemic approach to couple therapy. *J Syst Ther*. 2007;26(2):25-41.
<https://doi.org/10.1521/jsyt.2007.26.2.25>
4. Rasouli A. Youth's attitudes about cohabitation (white marriage). *Afaq Humanities Monthly*. 2021;5(50):51-70 .
<https://ensani.ir/file/download/article/1637999604-10123-50-4.pdf>
5. Ghanbarian M. A Study of White Marriage in the Legal Systems of Iran and the West. *J Law Soc*. 2017;15(3):1-14.
<https://sid.ir/paper/897000/fa>
6. Ghaazi AN, Barkhitabar M, Jokar S. Social harms and legal dimensions of white marriage. In: *Proceedings of the 8th International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies*; 2023; Tehran, Iran.
<https://civilica.com/doc/1694419>
7. Kalate Sadati A, Jiriaei R. A Study of Social Factors Affecting the Attitude towards Marriage: Study among Female Dormitory Students in Yazd University. *Socialworkmag* 2022; 10(4) :48-56.
[URL: http://socialworkmag.ir/article-1-661-fa.html](http://socialworkmag.ir/article-1-661-fa.html)
8. Letafati beris R, Ghamari kivi H, Kiani A R, Sheykholslami A. Comparison of the effectiveness of the schema mode therapy and emotional-focused therapy on styles of conflict resolution, in newly married couples with conflict. *Rooyesh*. 2021;10(9): 186-192.
[URL: http://frooyesh.ir/article-1-2882-fa.html](http://frooyesh.ir/article-1-2882-fa.html)
9. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. *Schema Therapy: A Practical Guide*. Hamidpour H, Andoz Z, translators. 14th ed. Tehran: Arjomand; 2024. 368 p.
10. Karami, M. Comparison of schema mentalities and differentiation in young people who are willing and unwilling to marry. Master's thesis in counseling. Islamic Azad University, Marvdasht Branch. Faculty of Educational Sciences and Psychology. 2019.
11. Izadi, G. Predicting children's schema mentalities based on parents' schema mentalities and personality traits in Shiraz. Master's thesis, General Psychology. Shiraz Zand Institute of Higher Education. 2019.
12. Keulen-de Vos M, Bernstein D, Vanstipelen S, Vogel V, Lucker T, Slaats M, et al. Schema modes in criminal and violent behaviour of forensic cluster B PD patients: a retrospective and prospective study. *Leg Criminol Psychol*. 2016;21(1):56-76.
<https://doi.org/10.1111/lcrp.12047>
13. Vyskocilova J, Prasko J. EPA-1344 – Countertransference, schema modes and ethical considerations in cognitive behavioral therapy. *Eur Psychiatry*. 2014;29(1):1.
[https://doi.org/10.1016/S0924-9338\(14\)78559-1](https://doi.org/10.1016/S0924-9338(14)78559-1)
14. Young J. *Schema therapy: Distinctive features*: 1st ed. New York: Routledge;2024, 112-182.
15. Ghafourian Molazadeh, A. *Marriage Culture*. Tehran: Payam Tooba. 2021.
16. Zhang Y. Premarital cohabitation and marital dissolution in postreform China: cohabitation and divorce in China. *J Marriage Fam*. 2017;79.
<https://doi.org/10.1111/jomf.12419>
17. Herzog-Evans, M., & Keulen-de Vos, M. Offence Paralleling Schema Modes in Institutional Violence. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 2023; 0(0).

<https://doi.org/10.1177/0306624X231206516>

18. Keulen-de Vos ME, Bernstein DP, Arntz A. Schema therapy for aggressive offenders with personality disorders. In: Tafrate RC, Mitchell D, editors. Forensic CBT: a handbook for clinical practice. Chichester: Wiley Blackwell; 2014; p. 66-83.

<https://doi.org/10.1002/9781118589878.ch4>

19. Rica, S & Iza, A. Career Planning in Spain: Do Fixed-term Contracts Delay Marriage and Parenthood? Review of Economics of the Household. 2005; 3:49-73.

<https://doi.org/10.1007/s11150-004-0979-8>

20. Yalcin O, Marais I, Lee C, Correia H. Revisions to the Young Schema Questionnaire using Rasch analysis: the YSQ-R. Aust Psychol. 2021;56(1):8-20. <https://doi.org/10.1080/00050067.2021.1979885>

21. Sfeir M, Postigo Á, Fekih-Romdhane F, et al. Psychometric properties of the Arabic version of the Young Schema Questionnaire Short Form-Version 3 (YSQ-S3). Sci Rep. 2025; 15:406.

<https://doi.org/10.1038/s41598-024-83089-w>

22. González-Cifuentes CE, Ruiz FJ, Quiceno JM. Psychometric properties of the Young's Early Maladaptive Schema Questionnaire - Short Form (YSQ-S3) in Colombia. Behav Psychol/Psicología Conductual. 2024; 32: 65-87.

<https://doi.org/10.51668/bp.8324103n>

23. Mehrtalab P, Davudi H, Taghvaei D. Investigation of psychometric properties of Young Positive Schema Questionnaire (YPSQ) in Iranian society. Res Clin Psychol Couns. 2024; 13(2):57-80.

<https://doi.org/10.22067/tpccp.2024.82249.1494>

24. Mohammadifar, A. and Besharat M. Reliability and validity of the short form of Young's schema questionnaire. Psychology and Educational Sciences. 2007; 37 (3): 5-20.

<https://sid.ir/paper/55767/fa>

A comparison of early maladaptive schemas between married individuals with official marriages and single individuals living in cohabitation without legal marriage

Mohammad Abdolfakhrabad¹, Azadeh Mahvelati²

1. Department of Psychology and Counseling, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Corresponding author: Azadeh Mahvelati, Department of Psychology and Counseling, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

E-Mail: Azadeh.mahvelati@imamreza.ac.ir

Submitted: 2 September 2024

Accepted: 26 November 2025

Abstract

Background & Aim: Recently, there has been a notable shift in values and attitudes among young adults approaching marriage, alongside an increase in the phenomenon of cohabitation without official marriage. This study aimed to compare early maladaptive schemas between officially married individuals and single individuals engaged in cohabitation without formal marriage.

Methods: This descriptive-analytical study was conducted in 2024 on 128 participants aged 18 to 45 years in Mashhad, Iran, divided equally into two groups: officially married individuals and single individuals cohabiting without official marriage. Convenience sampling was applied for the married group, and purposive sampling for the cohabiting group. Data were collected using demographic questionnaires and the Young Schema Questionnaire (YSQ; 2014-2018). Descriptive statistics and non-parametric tests were performed using SPSS version 25 at a significance level of 0.05.

Results: Descriptively, 65.6% of participants were in the married group and 34.4% in the cohabiting group; 82.8% were female and 17.2% male. Inferential analysis showed that the median rank of the healthy adult schema was significantly higher in the married group (median = 78) compared to the cohabiting group (median = 54) ($U = 1258$, $p = 0.001$). No significant differences were found between the groups regarding the Child, Dysfunctional Coping, and Dysfunctional Parent schemas ($p > 0.05$).

Conclusion: The findings suggest that the healthy adult schema is more prominent among officially married individuals and may play a critical role in psychological differences between these groups. Strengthening this schema through targeted interventions is recommended for youth counselors and social practitioners.

Keywords:

Early maladaptive schemas,
Dysfunctional Parent schema, Child schema,
Dysfunctional Coping schema,
Healthy Adult schema,
Cohabitation without official marriage

How to Cite this Article: Abdolfakhrabad M, Mahvelati A. A comparison of early maladaptive schemas between married individuals with official marriages and single individuals living in cohabitation without legal marriage. Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences. 2025; 13(1):46-58.